

بایسته‌های قانونی نظام مالکیت فکری ایران در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی

طیبه صاحب*

چکیده: برای پذیرش قطعی عضویت کشورمان در سازمان تجارت جهانی ضروریست الزامات مقرر در حوزه‌های مورد نظر این سازمان در سه بخش عمده خدمات، کالاها و مالکیت فکری که در قالب موافقت‌نامه‌هایی متعدد در مجموعه‌ای واحد به نام موافقت‌نامه WTO بیان شده‌اند، مورد توجه قرار گرفته، به مرحله اجرا درآیند. در این مقاله تلاش می‌شود تا با نگاهی گذرا به الزامات مقرر در موافقت‌نامه تریپس، خلأها و تفاوت‌های نظام حقوقی کشورمان در مقایسه با موافقت‌نامه یاد شده آشکار شود.

واژگان کلیدی: سازمان تجارت جهانی، موافقت‌نامه تریپس، حقوق مالکیت‌های فکری، مالکیت ادبی و هنری، حقوق مالکیت‌های صنعتی.

مقدمه

میل به برقراری و ایجاد تجارت آزاد در سراسر دنیا، انگیزه‌ای بود برای تدوین آنچه امروزه آن را «موافقت‌نامه عمومی تعرفه و تجارت»^(۱) (گات) نامیده می‌شود. هدف این موافقت‌نامه به طور اخص، توسعه تجارت بین‌الملل از طریق حذف یا کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای کشورهای در مقابل واردات است. این موافقت‌نامه که به سال ۱۹۴۸ در کوبا و در چهارچوب منشور هاوانا به تصویب رسید، طی سالهای آتی بعد از تصویب، مورد اصلاحات متعددی واقع شد که این اصلاحات با توجه به کشوری که در آنجا به شور و مشورت پرداخته شده است، نام گرفته‌اند.

آخرین دورنشست و مذاکرات کشورها در این چهارچوب دور موسوم به «دور اروگوئه» است که در واقع سرنوشت سازترین و نهایی‌ترین دورنشستهای گات بود که حدوداً هشت سال به طول انجامید. نهایتاً در سال ۱۹۹۴، مجموعه‌ای از موافقت‌نامه‌ها و تفاهم‌نامه‌ها و سایر اسناد حقوقی به صورت مجموعه‌ای واحد به تصویب رسید که یکی از مصوبات مذاکرات دور اروگوئه عبارت بود از تأسیس سازمان تجارت جهانی، که به اختصار WTO^(۲) نامیده می‌شود.^(۳)

موضوعاتی که در موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی به شور و مذاکره

۱. The General Agreement on Tariff and Trade (GATT)

۲. World Trade organization (WTO)

۳. جهت مطالعه بیشتر ر.ک: «چگونگی الحاق به سازمان جهانی تجارت»، دبیرخانه آنکناد شرکت چاپ و نشر بازرگانی وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول، بهمن ۱۳۸۱، «تجارت در آینده، درآمدی بر سازمان تجارت جهانی»، مترجم، دکتر ابروانی (محمدجوادی)، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. چاپ اول، بهمن ۱۳۸۱، پاکدامن (رضا)، «رفتار ویژه با کشورهای در حال توسعه در نظام حقوقی سازمان جهانی تجارت WTO»، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی. چاپ اول، آبان ۱۳۷۹، «آشنایی با قواعد سازمان جهانی تجارت» شرکت چاپ و نشر بازرگانی، وابسته به مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، چاپ اول، دی‌ماه ۱۳۸۱.

گذاشته شد، سه مقوله کالاها، خدمات و مالکیت‌های فکری را تشکیل می‌دهد. از این میان، مسئله مالکیت‌های فکری در گات سابقه‌ای نداشت و به عنوان یک نوآوری در کار طراحان موافقت‌نامه سازمان تجارت جهانی مطرح می‌شود. موافقت‌نامه مرتبط با این مقوله «موافقت‌نامه مربوط به جنبه‌های تجاری حقوق مالکیت‌های فکری» نام گرفت که به اختصار تریپس^(۱) نامیده می‌شود.

موافقت‌نامه تریپس مؤید این نظر است که پدیده‌های غیرمادی مشمول حمایت حقوق مالکیت فکری در تجارت جهانی ارزشی همانند سایر کالاها و خدمات دارند و برای دستیابی به بازارهای جهانی لازم است تا سطح حداقل حمایت در کشورها تا حد امکان، یکسان و یکنواخت شود. به این منظور در موافقت‌نامه تریپس در خصوص انواع حقوق مالکیت فکری (حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مالکیت صنعتی) و اجرای حقوق مذکور، حداقل معیارهای حمایتی مقرر شده است که کشورهای خواهان عضویت در سازمان تجارت جهانی، ناگزیر از تطبیق قوانین داخلی خود با معیارهای مذکور هستند.^(۲)

این مقاله می‌کوشد تا با بررسی و تطبیق قوانین و مقررات فعلی و جاری کشورمان با معیارهای مذکور در موافقت‌نامه تریپس تفاوتها و خلأهای محتمل را آشکار سازد. تفاوت‌هایی که می‌توانند به عنوان سوانعی در مسیر الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، مطرح شوند و امکان پیوستن کشورمان به این سازمان، مستلزم رفع این تفاوتها و خلأهاست.

شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورخه ۱۳۸۲/۹/۲۵، با عنوان «راهکارهای اجرایی ارتقای علم و فناوری کشور» این مهم را مدنظر داشته و

1. Trade Related aspects of Intellectual property Rights (TRIPs)

۲. همچنین ر.ک: وکیل (امیرساعد)، «حمایت از مالکیت فکری در سازمان جهانی تجارت و

حقوق ایران»، مجمع علمی و فرهنگی مجد، چاپ اول، اسفندماه ۱۳۸۳.

چنین مقرر کرده است:

«ماده ۲: به منظور تأمین و حفظ حقوق معنوی و مادی دانشمندان و محققان و مخترعان، مکتشفان و مؤلفان، وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و قوه قضائیه در مدت شش ماه با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی لایحه قانون ثبت مالکیت‌های معنوی را تهیه و تدوین کرده و به هیئت دولت ارائه دهند.

تبصره ۱- لایحه قانونی شامل کلیه حقوق معنوی از جمله حق اختراع، اکتشاف، تألیف و نظایر آن شود.

تبصره ۲- در تدوین لایحه از تجارب سایر کشورها استفاده شود و مفاد آن با مقررات و عرف بین‌المللی هماهنگ باشد».

فصل یکم: حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مرتبط

حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری، به پدیدآورندگان آثار ادبی و هنری در معنای اعم و وسیع آن، که قلمرو گسترده‌ای از هنر و ادبیات را شامل می‌شود، تعلق می‌یابد. بنا به تعبیر ماده ۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان، این قلمرو، نگارش هر نوشته علمی، فنی، ادبی و هنری، شعر و ترانه و سرود، آثار سمعی و بصری، آثار موسیقی، نقاشی، طرح و تصویر، نقش و نقشه جغرافیایی، نقشه و خط‌های تزئینی، هرگونه پیکره، اثر معماری، اثر عکاسی، هنرهای دستی، صنعتی، نقشه قالی و گلیم، آثار ابتکاری بر پایه فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنر ملی و حتی آثار فنی را شامل می‌شود. در قلمرو حقوق داخلی، راهکارهای قانونی حمایت از این‌گونه آثار در قالب قوانین متعددی^(۱) متجلی شده‌اند | ۲۶۴-۲۳۳:۱۸ | در عرصه بین‌المللی

۱. قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸/۱۰/۱۱، قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲/۱۰/۶، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹/۱۰/۴ مجلس شورای اسلامی و ...

نیز کنوانسیونهای مختلفی خارج از چهارچوب سازمان تجارت جهانی به تصویب رسیده‌اند: (۱) [۴۷-۳۶:۱۲ و ۲۶۴-۲۷۴:۸]. همچنین در راستای تلاشهای صورت گرفته در سازمان تجارت جهانی، موافقت‌نامه تریپس به عنوان موافقت‌نامه‌ای که به مقوله مالکیت‌های فکری به طور کلی پرداخته است، بخشی را نیز به موضوع مالکیت‌های ادبی و حقوق مرتبط اختصاص داده است. (۲) اخیراً نیز پیش‌نویس لایحه مربوط به حقوق مالکیت ادبی و هنری، در جریان تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است.

در خصوص این که کشور ما تا چه اندازه با استانداردهای بین‌المللی موجود در این کنوانسیونها همگام شده است، باید گفت متأسفانه دولت جمهوری اسلامی ایران تاکنون به هیچ یک از موافقت‌نامه‌ها و کنوانسیونهای مربوطه نپیوسته است و آثار ادبی تنها در قالب قوانین مصوب مجلس که سابقاً ذکر شد، مورد حمایت قرار می‌گیرند.

گفتار یکم: حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری

الف) الزام به رعایت موادی از کنوانسیون برن

در ماده ۹ موافقت‌نامه تریپس، در وهله اول، از اعضا خواسته شده است تا

۱- فصل اول از میحث دوم قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲/۱۰/۲۴. اخیراً نیز پیش‌نویس لایحه مربوط به حقوق مالکیت ادبی و هنری، در جریان تصویب مجلس شورای اسلامی قرار گرفته است.

۱. کنوانسیون برن در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری مصوب ۱۸۸۶، کنوانسیون رم در خصوص حمایت از اجراکنندگان و تولیدکنندگان صفحات صوتی و سازمانهای پخش‌کننده مصوب ۱۹۶۱، عهدنامه سازمان جهانی مالکیت فکری در خصوص اجراکنندگان صفحات صوتی (WPPT) مصوب ۱۹۹۶، کنوانسیون بروکسل در ارتباط با توزیع سیگنالهای حامل برنامه که با ماهواره مخابره می‌شوند مصوب ۱۹۷۴، کنوانسیون ژنو در خصوص حمایت از تولیدکنندگان صفحات صوتی در مقابل نسخه‌برداری غیرمجاز از صفحات صوتی آنها مصوب ۱۹۷۱ و معاهده حق مؤلف سازمان جهانی مالکیت فکری (WCT) مصوب ۱۹۹۶.
۲. جهت مطالعه بیشتر در زمینه حقوق مالکیت ادبی و هنری ر.ک: آبتنی (حمید)، حقوق آفرینشهای فکری با تأکید بر حقوق آفرینشهای ادبی و هنری، نشر حقوق‌دان، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۵.

مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن ۱۹۷۱ و ضمیمه آن را رعایت کنند. با مراجعه به مواد ارجاعی ملاحظه می‌شود که این مواد، مقررات اساسی کنوانسیون مذکور را تشکیل می‌دهند. رعایت مواد مذکور هم می‌تواند در قالب پیوستن به کنوانسیون برن و به تبع آن رعایت کلیه مواد و الزامات آن محقق شود و هم به صرف پیش‌بینی مواد مذکور در قوانین داخلی، صورت گیرد. از آنجا که کشور ما تاکنون به کنوانسیون برن ملحق نشده است، می‌توان به عنوان اولین خلاً در مسیر الحاق به سازمان تجارت جهانی، مسئله عدم رعایت ضوابط و شرایط مقرر در کنوانسیون برن را ذکر کرد.

با وجود الزام اعضا به رعایت مواد ۱ تا ۲۱ کنوانسیون برن، یک استثنای مهم در موافقت‌نامه تریپس در نظر گرفته شده است و آن عدم الزام کشورها به رعایت ماده ۶ مکرر کنوانسیون برن است. (بند اول ماده ۹ موافقت‌نامه) این امر بدان علت است که در موافقت‌نامه تریپس تأکید بیشتر بر جنبه‌های اقتصادی و تجاری حقوق مالکیت فکری است. در نتیجه حقوق معنوی و اخلاقی نسبت به حقوق مادی در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند. استثنای ماده مربوط به حقوق معنوی و اخلاقی سبب می‌شود که سایر مقررات کنوانسیون برن راجع به حقوق معنوی نیز لازم‌الرعیه نباشند. نظیر بند ۳ ماده ۱۰ (لزوم ذکر نام مؤلف هنگام نقل قول از آثار وی) بند ۲ ماده ۱۱ مکرر (حقوق معنوی مؤلف در پخش و ارتباط جمعی) و بند ۳ ماده ۴ ضمیمه (تعهد به درج نام مؤلف در ترجمه یا تکثیر) که به موجب مجوز به عمل آمده است). [۱:۱۵۸]

با وجود این هر چند کشورهای غیر عضو کنوانسیون برن الزامی به رعایت حقوق معنوی مؤلفان ندارند، در صورت الحاق ایران به کنوانسیون برن، بنا به اصول «دولت کامله الوداد» و «رفتار ملی» کشورمان موظف خواهد بود نه تنها نسبت به طرفهای عضو کنوانسیون برن، بلکه نسبت به طرفهای غیر عضو کنوانسیون برن نیز حقوق معنوی و اخلاقی را رعایت کند. اصل رفتار ملی به

معنای «رفتار مساوی با اتباع داخلی و اتباع خارجی» و اصل دولت کامله الوداد به معنای «رفتار مساوی نسبت به اتباع کلیه کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی» است. (مواد ۳ و ۴ موافقت‌نامه تریپس) [۲:۵۹]

ب) برنامه‌های کامپیوتری و عمل‌گردآوری اطلاعات

طبق بند ۱ از ماده ۱۰ موافقت‌نامه، اعضا مکلف شده‌اند، برنامه‌های کامپیوتری را به عنوان «آثاردبی» مطابق ضوابط کنوانسیون برن مورد حمایت قرار دهند. تأکیدی که در موافقت‌نامه بر برنامه‌های کامپیوتری به عنوان «آثر ادبی» شده، آن است که در کنوانسیون برن، آثار ادبی در مقایسه با آثار هنری، از دوره حمایت طولانی‌تری برخوردارند. چرا که آثار هنری به‌ویژه آثار هنر کاربردی^(۱) در مقابل آثار تئوریک و نظری از دوره حمایت ۲۵ ساله برخوردارند؛ ولی مدت حمایت از آثار ادبی پنجاه سال است. [۱۱:۱۶]

در حقوق داخلی، برنامه‌های کامپیوتری، برطبق قانون حمایت از پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ مورد حمایت قرار می‌گیرند که نظامی خاص و ویژه به شمار می‌رود. همچنین به موجب ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی: «... کلیه آثار و تألیفاتی که در قالب «داده پیام» می‌باشند، از جمله ... نرم‌افزارها و برنامه‌های رایانه‌ای، ابزار و روشهای رایانه‌ای و پایگاههای داده ... مشمول قوانین مذکور در این ماده و قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰/۴/۱ و آیین‌نامه اصلاحی اجرای قانون ثبت علائم تجاری و اختراعات مصوب ۱۳۳۷/۴/۱۴ خواهد بود...». از آنجا که به موجب موافقت‌نامه تریپس اعضا موظف‌اند برنامه‌های کامپیوتری را برطبق معیارهای کنوانسیون برن در خصوص آثار ادبی مورد حمایت قرار دهند، بدین ترتیب، تغییر مکانیسم حمایت از برنامه‌های کامپیوتری با توجه به الزام مقرر در موافقت‌نامه تریپس، مسئله‌ای است که جهت تطبیق قوانین

داخلی با مقررات موافقت‌نامه تریپس باید مدنظر قرار گیرد. عمل «گردآوری اطلاعات»^(۱) نیز چنانچه بنا به نحوه انتخاب و ترتیب محتوایشان جزء آفرینشهای فکری به شمار آیند، باید مورد حمایت قرار گیرند (بند ۲ ماده ۱۰ تریپس) در واقع حمایت از عمل «گردآوری اطلاعات» به دلیل محتوای آن نیست بلکه به خاطر ترتیب و نحوه انتخابی است که صورت می‌گیرد. حمایت از عمل «گردآوری اطلاعات» در کنوانسیون برن نیز مسبوق به سابقه است، با این تفاوت که طبق کنوانسیون اخیرالذکر، گردآوری اطلاعات چنانچه در قلمرو آثار ادبی و هنری صورت گرفته باشد، مورد حمایت قرار می‌گیرد. (بند ۵ ماده ۲ کنوانسیون برن) ولی بر اساس موافقت‌نامه تریپس، جمع‌آوری اطلاعات در هر زمینه‌ای، چنانچه واجد جنبه ابتکاری باشد، قابل حمایت است.

ج) حق اجاره دادن

حق بهره‌برداری و استفاده مادی از آثار ادبی و هنری مورد حمایت، متنوع است و طیف وسیعی از امتیازات نظیر حق ترجمه، حق تکثیر، حق اجرای عمومی آثار نمایشی، حق پخش در رادیو و تلویزیون، حق نقل و قرائت عمومی اثر، حق تجویز اقتباس اثر و ... را شامل می‌شود. علاوه بر حقوق فوق، حق اجاره دادن اثر، به‌عنوان یک حق تازه و نو بر طبق موافقت‌نامه تریپس به جمع حقوق فوق اضافه شده است. امری که نه در حقوق داخلی و نه در کنوانسیون برن مسبوق به سابقه نیست.

به موجب این حق، پدیدآوردندگان برنامه‌های کامپیوتری، آثار سینمایی یا آثار صوتی - و وراث آنها - می‌توانند اجاره تجاری اصل یا کپی اثر خود را به عموم بدهند یا از آن جلوگیری کنند. این حق در خصوص برنامه‌های کامپیوتری زمانی قابل اجراست که خود برنامه، موضوع اساسی اجاره باشد

و نه محصولی که برنامه ضمن آن درج شده است.

در مورد آثار سینمایی اگر اجاره محدود این آثار، منجر به تکثیر گسترده اثر و لطمه جدی به صاحب اثر یا وراث او نشود، مجاز است (ماده ۱۱ موافقت‌نامه تریپس). به این ترتیب در مسیر رفع خلأ دیگری از موانع الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی لازم است این حق نیز برای دارندگان آثار ادبی و هنری به رسمیت شناخته شود.

د) مدت حمایت

در حقوق داخلی کشورمان مبنای محاسبه حمایت از آثار ادبی و هنری، عمر شخص حقیقی است، طبق ماده ۱۲ قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸، مدت استفاده از حقوق مادی به مدت سی سال، از تاریخ مرگ پدیدآورنده اثر تعیین شده است. ولی در مورد آثار سینمایی یا عکاسی و همچنین آثار متعلق به اشخاص حقوقی، مبنای محاسبه به مدت سی سال از تاریخ نشر یا عرضه اثر است. در حالی که طبق موافقت‌نامه این تریپس مبنای گونه‌ای متفاوت در نظر گرفته شده است. مدت حمایت، در موافقت‌نامه تریپس حداقل تا پنجاه سال بعد از پایان سال انتشار مجاز اثر، یا در صورت عدم انتشار مجاز، ظرف پنجاه سال بعد از خلق اثر ادامه می‌یابد. هدف از برقراری این مبنای آن بوده است که در مورد اشخاص حقوقی نیز بتوان مدت حمایت را محاسبه کرد. آثار عکاسی و آثار هنرهای کاربردی از این قاعده مستثنا شده‌اند و مدت حمایت از آنها همانند کنوانسیون برن نباید کمتر از ۲۵ سال بعد از ساخت و خلق اثر باشد.

بدین ترتیب به منظور ایجاد هماهنگی و رعایت الزامات موافقت‌نامه تریپس، ضروری است علاوه بر آنکه مدت حمایت به پنجاه سال افزایش می‌یابد، مبنای محاسبه مدت حمایت از آثار منتسب به اشخاص حقوقی منطبق با آنچه در موافقت‌نامه ذکر شده است، تعیین شود.

گفتار دوم: حقوق مرتبط با مالکیت‌های ادبی و هنری

الف) دارندگان حقوق مرتبط

حقوق مرتبط با مالکیت‌های ادبی و هنری به افرادی تعلق می‌گیرد که به‌عنوان واسطه در امر انتشار و عرضه آثار ادبی و هنری فعالیت می‌کنند. از آنجا که این افراد با استفاده از مهارت‌های حرفه‌ای خود جهت بهتر جلوه دادن آثار تلاش می‌کنند، ضروری است علاوه بر حمایت از حقوق مؤلفان، از آنان نیز حمایت به عمل آید. این افراد عبارت‌اند از: ۱. اجراکنندگان آثار صوتی؛ ۲. تهیه‌کنندگان آثار صوتی؛ ۳. سازمان‌های پخش در رابطه با برنامه‌های رادیویی و تلویزیون خود.

در حقوق داخلی بر طبق قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی مصوب ۱۳۵۲:

«نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است، بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم‌مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است. حکم مذکور در این ماده شامل نسخه‌برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه‌های رادیو، تلویزیون یا هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود.»

ماده ۱۴ موافقت‌نامه تریپس، با تفصیل و جزئیات بسیار که در ۶ بند تنظیم شده است به موضوع حقوق مرتبط با مالکیت‌های ادبی و هنری پرداخته است. در مقایسه این ماده با حقوق داخلی ملاحظه می‌شود، ممنوعیت‌های مندرج در موافقت‌نامه از جهتی وسیع‌تر و از جهتی محدودتر از آنچه در ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (۱۳۵۲) آمده است، می‌باشند. علاوه بر این در موافقت‌نامه در خصوص هریک از دارندگان حقوق مرتبط، طی بندهای مجزا و جداگانه، قواعد خاص و ویژه‌ای وضع شده است، در حالی که در ماده ۲ قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی (۱۳۵۲) دارندگان حقوق مزبور تحت شمول یک قاعده و حکم عام

قرار گرفته‌اند.

۱. «حقوق اجراکنندگان آثار صوتی»: اجراکنندگان آثار صوتی به موجب موافقت‌نامه تریپس، از حق منع دیگران نسبت به ضبط اجراهای زنده خویش و تکثیر چنین ضبطی و یا پخش آن توسط دستگاه‌های بی‌سیم و همچنین پخش اجرای زنده آثارشان برای عموم برخوردارند. این دسته از حقوق در مقایسه با آنچه در حقوق داخلی کشورمان برای اجراکنندگان، (صاحبان حق به تعبیر قانون ترجمه و...) مقرر شده، محدودترند. چرا که حمایت مقرر در موافقت‌نامه، صرفاً شامل جلوگیری از ضبط اجراهای «زنده» می‌شود و اجراهای غیرزنده را در بر نمی‌گیرد و یا آنکه فقط پخش آن توسط دستگاه‌های بی‌سیم منوط به اجازه صاحب حق است و به عنوان مثال پخش اجرا از طریق تلویزیون کابلی را در بر نمی‌گیرد [۱:۱۶۳] در مقابل از جهت آنکه در ماده ۳ قانون ترجمه و تکثیر و ... اعمال مذکور چنانچه تنها به «قصد فروش» باشند منع شده‌اند، گسترده‌تر هستند. چرا که در موافقت‌نامه تریپس انجام هر یک از اعمال فوق به هر قصدی که صورت گیرند، ممنوع هستند.

۲. «حقوق تهیه‌کنندگان آثار صوتی»: بر طبق بند ۲ ماده ۱۴ موافقت‌نامه، تهیه‌کنندگان آثار صوتی می‌توانند مانع از تکثیر مستقیم یا غیر مستقیم آثار صوتی خود شوند. منظور از تکثیر مستقیم، کپی کردن مستقیم از روی نسخه اصلی است و کپی غیرمستقیم هنگامی است که صدای ضبط شده توسط وسیله دیگری نظیر رادیو پخش شود، سپس گیرنده آن را ضبط کند. [۱:۱۶۳] علاوه بر این اشخاص مذکور حق دارند از اجاره تجاری آثارشان، چنانچه بدون اجازه آنان به عمل آید، ممانعت به عمل آورند (بند ۴ ماده ۱۴ موافقت‌نامه).

۳. «حقوق سازمانهای پخش»: سازمانهای پخش حق دارند از اعمال زیر چنانچه بدون اجازه آنان به عمل آید، ممانعت به عمل آورند: ضبط برنامه‌های پخش شده، تکثیر برنامه‌های ضبط شده، پخش مجدد برنامه‌ها از

طریق ابزار بی سیم و پخش برنامه‌های تلویزیونی به عموم. هرچند در خصوص مفاهیم «پخش» و «پخش مجدد» که در موافقت‌نامه ذکر شده، تعریفی به عمل نیامده است، ولی در کنوانسیون رم، این واژه‌ها تعریف شده‌اند. طبق این کنوانسیون «پخش» به معنی «انتقال به وسیله ابزار بدون سیم برای دریافت صداها یا تصاویر و صداها توسط عموم است» و «پخش مجدد» به معنی «پخش مقارن و هم‌زمان یک سازمان پخش‌کننده از پخش سازمان پخش‌کننده دیگر است» (ماده ۳ کنوانسیون رم) که پخش زنده را هم شامل می‌شود. [۲۴:۱۱۱]

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود برخلاف حقوق اجراکنندگان که فقط شامل پخش می‌شد، سازمانهای پخش‌کننده حق ممانعت از پخش مجدد را نیز دارند. این حق را می‌توان با دقت در ماده ۳ قانون ترجمه و ... دریافت، چرا که در این ماده آمده است: «... حکم مذکور در این ماده شامل ... هرگونه پخش دیگر نیز خواهد بود». بنابراین می‌توان از این نظر دفاع کرد که در حقوق داخلی همگام با موافقت‌نامه تریپس «پخش مجدد» نیز داخل در قلمرو حقوق انحصاری صاحب حق قرار دارد.

ب) مدت حمایت

طبق موافقت‌نامه، مدت حمایت از اجراکنندگان و تولیدکنندگان آثار صوتی، حداقل تا پایان دوره پنجاه ساله‌ای است که از انتهای سال ضبط یا اجرا محاسبه می‌شود و مدت حمایت از سازمانهای پخش حداقل بیست سال پس از پایان پخش ادامه خواهد داشت. از آنجا که بر طبق ماده ۱۰ قانون ترجمه و تکثیر، مقررات قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و هنرمندان در غیر موارد مذکور در قانون ترجمه و تکثیر، مجراست و از آنجا که در قانون اخیرالذکر اشاره‌ای به مدت حمایت نشده است، در نتیجه مدت سی سال مذکور در قانون حمایت از مؤلفان، مصنفان و ... در این خصوص نیز اعمال می‌شود. بنابراین در این ارتباط نیز ضروری است مدت حمایت تا سقف پنجاه سال

افزایش یابد.

فصل دوم: حقوق مالکیت‌های صنعتی

حقوق مالکیت‌های صنعتی شامل حمایت از علائم تجاری، اختراعات، طرح‌های صنعتی، نشانه‌های جغرافیایی و ... می‌شود. در عرصه بین‌المللی تاکنون معاهدات و کنوانسیون‌های متعددی در خصوص انواع حقوق مالکیت صنعتی وضع و به تصویب کشورها رسیده‌اند.^(۱) [۱۲:۱۰-۳۳]

همچنین در موافقت‌نامه تریپس در خصوص انواع مختلف مالکیت‌های صنعتی، مقررات ماهوری مختلفی پیش بینی شده است که در ادامه به آن خواهیم پرداخت. از میان کنوانسیون‌های بین‌المللی موجود در زمینه مالکیت صنعتی موافقت‌نامه تریپس، اعضا را مکلف به رعایت مواد ۱ تا ۱۲ و ۱۹ از کنوانسیون پاریس در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی تجاری، کشاورزی و معاهده واشنگتن در خصوص حمایت از مدارهای یکپارچه کرده است.

۱. کنوانسیون پاریس در خصوص حمایت از مالکیت صنعتی مصوب ۱۸۸۳، معاهده همکاری ثبت اختراع (PCT)، مصوب ۱۹۷۰، معاهده بوداپست در خصوص شناسایی بین‌المللی تسلیم میکروارگانیسمها جهت استفاده در تشریفات ثبت اختراعات مصوب ۱۹۷۷، موافقت‌نامه استراسبورگ در خصوص طبقه‌بندی بین‌المللی اختراعات مصوب ۱۹۷۱، معاهده قانون علامت تجاری مصوب ۱۹۹۲، موافقت‌نامه نیس در خصوص طبقه‌بندی بین‌المللی کالاها و خدمات به منظور ثبت علائم مصوب ۱۹۵۷، معاهده نابروبی در خصوص حمایت از نشان المپیک مصوب ۱۹۸۱، موافقت‌نامه وین در خصوص طبقه‌بندی بین‌المللی عناصر تصویری علائم ۱۹۷۳، موافقت‌نامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی علائم تجاری مصوب ۱۸۹۱، پروتکل مادرید راجع به ثبت بین‌المللی علائم تجاری و خدماتی مصوب ۱۹۸۹، موافقت‌نامه مادرید در خصوص جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع غیرواقعی یا گمراه‌کننده بر کالا مصوب ۱۸۹۱، موافقت‌نامه لیسبون در خصوص حمایت از اسامی مبدأ و ثبت بین‌المللی آنها مصوب ۱۹۵۸، موافقت‌نامه لوکارنو خصوص ایجاد طبقه‌بندی بین‌المللی طرح‌های صنعتی مصوب ۱۹۸۶، موافقت‌نامه لاهه در خصوص ودیعه بین‌المللی طرح‌های صنعتی. معاهده واشنگتن در خصوص مالکیت فکری مربوط به مدارهای الکترونیکی پیوسته (مدارهای یکپارچه) مصوب ۱۹۸۹.

در حقوق داخلی، نیز تاکنون قوانین متعددی به تصویب قوه قانون‌گذاری کشورمان رسیده است^(۱) که بعضاً، شامل قوانین اجازه الحاق کشورمان به کنوانسیونها و معاهدات مرتبط بین‌المللی است. [۸:۲۱۴]

گفتار یکم: علائم تجاری

الف) تسری حمایت به خدمات

موافقت‌نامه تعریفی از علامت تجاری ارائه داده است با این بیان که: «هرگونه علامت یا ترکیبی از علائم که بتواند کالاها یا خدمات یک فعالیت را از کالاها یا خدمات فعالیتهای دیگر متمایز گرداند، علامت تجاری به شمار خواهد آمد...» [۴:۵۵۰]

طبق تعریف، ثبت علامت تجاری هم در خصوص کالاها و هم در خصوص خدمات، امکان‌پذیر است، در حالی که در کنوانسیون پاریس اگرچه اصل حمایت از خدمات بر دولتهای عضو تکلیف شده، اما دیگر جنبه‌های حمایت، نظیر حق تقدم در خصوص ثبت این خدمات منظور نشده است. [۵:۳۰] در قانون ثبت علائم و اختراعات، نیز به این نکته اشاره نشده است. از این‌رو، ضرورت حمایت از علائم خدمات، به‌عنوان قدم دیگری

۱. قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آیین‌نامه آن، قانون حمایت از حقوق پدیدآورندگان نرم‌افزارهای رایانه‌ای مصوب ۱۳۷۹ و قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳ و مواد فصل اول از مبحث دوم قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۳ و همچنین قانون اجازه الحاق دولت ایران به اتحادیه عمومی بین‌المللی معروف به پاریس برای حمایت از مالکیت صنعتی، تجاری و کشاورزی مصوب اسفند ۱۳۳۷ و اخیراً قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به موافقت‌نامه مادرید راجع به ثبت بین‌المللی علائم و پروتکل مربوط به آن. که در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۵ به تأیید شورای نگهبان رسید و موافقت‌نامه متادوبد در خصوص جلوگیری از نصب نشانه‌های منبع غیرواقعی یا گمراه‌کننده بر کالا مصوب ۸۲/۱۱/۲۵. علاوه بر این قوانین اخیراً در خصوص اختراعات، علائم تجاری و طرحهای صنعتی طرحی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی بر اساس الگوری ارائه شده از WIPO تهیه شده است که در حال طی مراحل قانونی تصویب است. همچنین سازمان جهانی مالکیت فکری قانون الگویی در رابطه با مدارهای یکپارچه ارائه کرده است.

جهت رفع خلأهای قانونی موجود قابل طرح است.^(۱)

(ب) حمایت مضاعف از علائم مشهور

به موجب بند ۲ ماده ۱۶ موافقت‌نامه، ماده ۶ مکرر کنوانسیون پاریس که در خصوص حمایت از علائم کالاهای مشهور است باید در خصوص خدمات مشهور نیز اعمال شود.^(۲) علاوه بر این، برخلاف کنوانسیون پاریس که معیار مشهور بودن علامتی را «تشخیص، مقام صالح» قرار داده است، برطبق موافقت‌نامه تریپس، معیار مشهور بودن علامت، آگاهی و اطلاع جامعه از آن علامت است که می‌تواند در نتیجه آگاهی علامت تجاری حتی قبل از استفاده عملی از کالاها حاصل شده باشد.

نکته دیگر در خصوص علائم مشهور آن است که کنوانسیون پاریس حمایت از علائم مشهور را فقط در خصوص کالاهای «یکسان یا مشابه» مقرر کرده است، در حالی که موافقت‌نامه تریپس این حمایت را به کالاها و خدمات «غیر مشابه» نیز تسری می‌دهد، به شرطی که میان استفاده از علامت در آن کالاها و خدمات و مالک علامت مشهور، ارتباطی وجود داشته و به منافع مالک علامت مشهور به دلیل چنین استفاده‌ای به احتمال زیاد لطمه وارد شود (بند ۳ ماده ۱۶ موافقت‌نامه تریپس).

(ج) مدت حمایت

مدت حمایت از علائم تجاری بر طبق موافقت‌نامه، حداقل هفت سال پیشینی شده است. با ملاحظه قانون ثبت علائم و اختراعات مشخص می‌شود که از این نظر کشور ما حمایت بیشتری را در مقایسه با موافقت‌نامه مقرر کرده است. چراکه برطبق ماده ۱۴ قانون ثبت علائم و اختراعات، مدت اعتبار ثبت علامت، ده سال است و صاحب علامت می‌تواند پس از انقضای

۱. در طرح پیشنهادی مجلس، این نکته مدنظر قرار گرفته و در ماده ۲۱-۱، در تعریف علامت تجاری به علامت مربوط به خدمات نیز اشاره شده است.

۲. این نکته نیز در بند الف ماده ۵ طرح پیشنهادی مجلس درج شده است.

این مدت، تمدید ثبت را خواستار شود.

نکات دیگری نیز در خصوص علائم تجاری در موافقت‌نامه پیش بینی شده است که به دلیل اختیاری بودن آنان و یا به علت عدم تفاوت با حقوق داخلی، از ذکر آنها خودداری می‌شود.

گفتار دوم: علائم جغرافیایی

علائم جغرافیایی، علائمی هستند که به قصد مطلع کردن مصرف‌کننده از کیفیت، شهرت یا سایر خصوصیات کالا که به مبدأ جغرافیایی آن کالاها نسبت داده می‌شوند، به کار می‌روند. به عنوان مثال در صورت ذکر «پنیر تبریز» بر روی محصول، مقصود پنیری است که در تبریز تهیه شده و خصوصیات و ویژگیهای خاصی دارد و کسی که پنیری را با این نام می‌فروشد، تضمین می‌کند پنیر فروخته شده، آن خصوصیات را الزاماً داراست. بنابراین، به کار بردن نام مکانی خاص، در حالی که محصول در جای دیگری ساخته شده و یا مشخصات معمول را ندارد، برای مشتریان گمراه کننده بوده، باعث ایجاد رقابت غیرمنصفانه می‌شود. در حقوق داخلی علاوه بر قانون اخیرالتصویب حمایت از نشانه‌های جغرافیایی مصوب ۱۳۸۳، از شق دوم ماده ۱ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰، نیز می‌توان توجه و نظر قانون‌گذار را به علائم جغرافیایی دریافت. برطبق این قسمت از ماده: «... ممکن است یک علامت تجاری برای تشخیص امتیاز محصول ... یک شهر و یا یک ناحیه از مملکت اختیار شود». و این همان چیزی است که در بند ۳ ماده ۲۳ تریپس آمده است یعنی: «علامت تجاری که شامل یا دربرگیرنده علامت جغرافیایی» است.

در کنوانسیون پاریس، تعریفی از علامت جغرافیایی ارائه نشده، ولی موادی به این مبحث اختصاص یافته است.^(۱) از آنجا که موافقت‌نامه تریپس

۱. ماده (۱) ۱۰، ماده خامس، ماده ۱۰۰ مکرر.

به مواد مزبور از کنوانسیون پاریس ارجاع داده است و با عیت به عضویت ما در این کنوانسیون و همچنین عضویت ایران در موافقت‌نامه مادرید مصوب ۸۲/۱۱/۲۵ و تصویب قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی در سال ۱۳۸۳ به نظر می‌رسد خلائی در این حوزه از حقوق مالکیت‌های فکری وجود نداشته باشد.

در ماده ۲۳ موافقت‌نامه تریپس از اعضا خواسته شده است تا در خصوص مشروبات الکلی، حمایت‌های سطح بالاتری مقرر دارند، حتی در مواردی که هیچ‌گونه خطری برای گمراهی عامه مردم وجود نداشته باشد. همچنین موافقت‌نامه، جهت مذاکرات بیشتر در سازمان تجارت جهانی، یک سیستم چندجانبه اطلاع‌رسانی و ثبت علائم جغرافیایی برای مشروبات را مقرر می‌کند (بند ۴ ماده ۱۳ و ماده ۱۴ موافقت‌نامه تریپس).

گفتار سوم: طرح‌های صنعتی

طرح صنعتی ناظر بر جنبه تزئینی و زیباشناختی کالاهاست که در مورد بسیاری از محصولات صنعتی و دستی نظیر ابزارهای فنی و پزشکی، ساعت، جواهرات، وسایل خانگی و برقی، ماشین، طرح‌های پارچه و ... کاربرد دارد. طرح‌های صنعتی برای آنکه تحت حمایت قوانین ملی قرار گیرند، الزاماً باید «جالب توجه باشند». به عبارت دیگر یک طرح صنعتی در درجه اول از ماهیت زیباشناختی و هنری برخوردار است و از ویژگی‌های فنی کالا محافظت نمی‌کند.

به همین دلیل شاید بتوان طرح‌های صنعتی، را داخل در تعریف بند ۹ ماده ۲ قانون حمایت حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸ دانست. چرا که بر طبق این بند «اثر ابتکاری مربوط به هنرهای ... صنعتی ...» نیز مورد حمایت این قانون هستند. با این وجود بر طبق موافقت‌نامه تریپس از اعضا خواسته شده است قوانین و مقررات ویژه‌ای را جهت حمایت از

طرحهای صنعتی مقرر کنند^(۱) و اعضا تنها اجازه دارند طرحهای صنعتی مربوط به منسوجات را طبق نظام مالکیت ادبی و هنری مورد حمایت قرار دهند. دلیل این امر نیز دوره حمایت طولانی نظام مالکیت ادبی و هنری است. چرا که بر طبق موافقت نامه تریپس هدف، توسعه فرایند صنعتی شدن کشورهاست و این آرمان با پیش بینی دوره حق انحصاری طولانی برای صاحبان آثار مربوط به طرحهای صنعتی به کندی محقق می شود.

همچنین در موافقت نامه با توجه به چرخه کوتاه زندگی طرحهای جدید در بخش منسوجات (طرح روی مواد پارچه ای) از اعضا خواسته شده است که به منظور فراهم آوردن فرصت درخواست و کسب حمایت از این قبیل طرحها، شرایط مربوط به هزینه، بررسی و انتشار آنها تخفیف داده شود تا از این طریق، جریان اعطای حق انحصاری خالقان چنین طرحهایی تسهیل شود. (۳:۴۵۲)

در موافقت نامه طی دو ماده (مواد ۲۵ و ۲۶)، شرایطی در نظر گرفته شده است که اعضا موظف به رعایت آن هستند. نظیر اینکه حمایت از طرحهای صنعتی فقط باید شامل آن گونه طرحها باشد که اولاً: مستقلاً تهیه شده باشند. ثانیاً جدید و بکر باشند، همچنین مدت حمایت از این آثار ده سال پیش بینی شود و موادی دیگر...، که رعایت این موارد، مستلزم تدوین قانونی خاص در این زمینه است.

گفتار چهارم: حق ثبت اختراع

حق ثبت اختراع، مجموعه حقوقی است که در نتیجه اختراعی که یک فرد انجام داده است به طور انحصاری به وی اعطا می شود و مجموعه این حقوق عبارتند از آنکه بدون موافقت مالک آن، امکان ساخت تجاری، استفاده، توزیع و یا فروش آن اختراع وجود ندارد و مالک حق ثبت اختراع در مدت

۱. مواد ۱۴ الی ۲۰ طرح پیشنهادی مجلس به این مقوله پرداخته است.

دوره حق انحصاری می‌تواند شخصاً از اختراع خویش استفاده کند و یا پروانه امتیاز آن را به دیگری واگذار کند. در قلمرو حقوق داخلی، قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و کنوانسیون پاریس، قوانینی هستند که به این مقوله پرداخته اند. با مقایسه این مواد با موافقت‌نامه تریپس پی به تفاوت‌های زیر می‌بریم.

الف) اختراعات مربوط به فرایندها

حق ثبت اختراع هم به اختراعات مربوط به محصولات، هم اختراعات مربوط به فرایندها از جمله آنهایی که در تولید محصولات مورد استفاده قرار می‌گیرند، تعلق می‌گیرد. (ماده ۲۷ موافقت‌نامه تریپس) در حقوق داخلی هرچند با استفاده از بند ۲ ماده ۲۷ قانون ثبت علائم و اختراعات می‌توان توجه قانون‌گذار را به این نوع اختراعات نیز دریافت، با این وجود برخلاف موافقت‌نامه تریپس هیچ‌گونه ماده تفصیلی در حقوق داخلی وجود ندارد. بند ۲ ماده ۲۷ قانون ثبت علائم و اختراعات کشورمان چنین می‌گوید: کسی که مدعی، «... اعمال و وسایل موجوده به طریق جدید برای تحصیل یک نتیجه یا محصول صنعتی یا فلاحتی» باشد می‌تواند درخواست ثبت آن را به عنوان اختراع کند و این در حالی است که در موافقت‌نامه، مواد خاصی به اختراعات مربوط به فرایندها اختصاص یافته است و مقررات و الزامات متفاوتی را در خصوص حمایت از اختراعات مربوط به فرایندها بر اعصاب، تکلیف کرده است. نظیر ماده ۲۸ که به تفکیک، حقوق هر یک از مخترعان مربوط به محصولات و فرایندها را بیان می‌کند و یا ماده ۳۴ موافقت‌نامه که بر طبق آن، در جریان رسیدگی مدنی به نقض حق ثبت اختراع یک فرایند تولید صنعتی، فرض بر این خواهد بود که محصول نقض‌کننده حق با استفاده از فرایند دارای حق ثبت، تولید شده است مشروط بر آنکه مشابه همان محصولی باشد که با فرایند دارای حق ثبت تولید می‌شود. به این ترتیب در جریان رسیدگی، مسئولیت اثبات برعهده خواننده قرار می‌گیرد، یعنی او مجبور است ثابت کند

که محصول با استفاده از فرایندی ساخته شده است که از فرایند تحت پوشش حق ثبت اختراع، متفاوت است، مطالبی که در حقوق داخلی پیش‌بینی نشده‌اند.

ب) پروانه‌های امتیاز اجباری

همان‌گونه که گفته شد، بهره‌برداری از حق ثبت اختراع، حق دارنده آن است، با وجود این گاهی اوقات افراد دیگری به غیر از دارنده ورقه اختراع و بعضاً بدون رضایت وی حق بهره‌برداری و استفاده از این امتیاز را می‌یابند. این امر یا به دلیل آن است که دارنده ورقه اختراع خود شخصاً نمی‌خواهد یا نمی‌تواند از اختراع استفاده کند یا در مواردی که بنا به تشخیص دولت، صدور چنین پروانه‌هایی جهت حفظ منافع عمومی، بهداشت و تغذیه کشور، لازم و ضروری است. در این موارد موافقت‌نامه تریپس اجازه صدور پروانه‌های امتیاز اجباری را می‌دهد. هرچند این مسئله در قانون ثبت علائم و اختراعات، سابقه ای ندارد، ولی در کنوانسیون پاریس موادی در این رابطه پیش‌بینی شده است که موافقت‌نامه تریپس، مقررات کنوانسیون پاریس در این خصوص را تکمیل کرده و موارد صدور پروانه امتیاز اجباری را گسترش داده است. به طور خلاصه صدور پروانه امتیاز اجباری در دو مورد صورت می‌گیرد:

۱. در صورت سوءاستفاده از ورقه اختراع: صدور پروانه امتیاز اجباری بر این مبنا به منظور جلوگیری از سوءاستفاده‌هایی است که ممکن است در خصوص اجرای حق انحصاری اعطا شده به دارنده حق اختراع، صورت گیرد. نظیر کوتاهی و خودداری صاحب حق از به کار انداختن اختراع (ماده ۲ (A) ۵ کنوانسیون پاریس).

۲. حفظ منافع عمومی: پروانه‌های امتیاز اجباری گاهی اوقات نیز برای حفظ رفاه عموم مردم نظیر تأمین سلامت، بهداشت و توسعه اقتصاد کشور صادر می‌شوند. (ماده ۳۱ تریپس) (۵۲۵:۱۰ و ۲۶۰:۲۴۰)

در ماده ۳۱ موافقت‌نامه تریپس شرایط اعطای پروانه‌های امتیاز اجباری به تفصیل بیان شده است که کشورهای خواهان عضویت در سازمان تجارت جهانی موظف به درج این مواد در حقوق داخلی‌شان هستند.

ج) مدت حمایت

مدت حمایت در موافقت‌نامه بیست سال پیش‌بینی شده است، در حالی که در قانون ثبت علائم و اختراعات، حداقل و حداکثری برای دوره حمایت در نظر گرفته شده است. این مدت حداقل پنج سال است که به درخواست دارنده حق، به صورت دوره‌های زمانی پنج ساله تا بیست ساله قابل تمدید است.

به غیر از تفاوت‌های فوق‌الذکر، مواد دیگری که در موافقت‌نامه تریپس ذکر شده‌اند با حقوق داخلی چندان تفاوتی ندارند و بعضاً نیز جنبه اختیاری داشته و اعضا الزامی به رعایت آن ندارند، هرچند که با پیش‌بینی مواد اختیاری فوق‌الذکر نیز، می‌توان نظر مساعد کشورهای سازمان تجارت جهانی نسبت به تلاش کشورمان در راستای هماهنگی هرچه بیشتر با قواعد بین‌المللی را جلب کرد.

گفتار پنجم: طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه

به موجب تبصره ۲ ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲، «مدار یکپارچه (Integrated Circuit) یک جزء الکترونیکی با نقشه و منطقی خاص است که عملکرد و کارآیی آن قابلیت جایگزینی با تعداد بسیار زیادی از اجزاء الکترونیکی متعارف را داراست...».

موافقت‌نامه تریپس در خصوص مدارهای یکپارچه به استثنای مواردی که به نحو دیگری مقرر شده است، از کشورها می‌خواهد طرح‌های ساخت این مدارها را مطابق با «معاهده مالکیت فکری و اشنگتن در خصوص مدارهای یکپارچه ۱۹۸۹» مورد حمایت قرار دهند. در حقوق داخلی به موجب تبصره ۲ ماده ۶۲ قانون تجارت الکترونیکی، طراحیهای نقشه

جانمایی و منطق مدارهای یکپارچه، تحت نظام قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و آیین‌نامه اجرایی آن مورد حمایت قرار می‌گیرند. بنابراین در این خصوص نیز در مسیر حذف خلأها و موانع الحاق به سازمان تجارت جهانی، توجه به این مقررہ از موافقت‌نامه تریپس و درج معیارهای معاهده واشنگتن در حقوق داخلی لازم است. علاوه بر این لازم است تا معیارهای دیگری که در مواد ۳۶، ۳۷ و ۳۸ موافقت‌نامه در این خصوص درج شده است نیز در حقوق داخلی رعایت شوند.

این مقررات از جمله تصریح می‌کنند که واردات یا فروش کالاهایی که حاوی مواد یکپارچه مورد حمایت است، بدون اجازه از دارنده واقعی، غیرقانونی است. معهداً خرید این کالاها از سوی اشخاصی که نمی‌دانند کالای خریداری شده حاوی طرح ساختی است که به طور غیرقانونی، مجدداً تولید شده است، اقدام غیرقانونی محسوب نمی‌شود. ممکن است متخلفان بی‌تقصیر، قبل از آگاهی از غیرقانونی بودن استفاده از طرح ساخت مزبور، کالاهای به دست آمده را بفروشند یا واگذار کنند، در این صورت، مسئول هستند حق امتیاز معقولی به دارنده حق بپردازند. همچنین صدور پروانه امتیاز اجباری برای طرحهای ساخت ممنوع است مگر در موارد استفاده غیرتجاری عمومی یا برای جبران خسارت رویه‌های ضد رقابتی. [۳:۴۵۴]

گفتار ششم: حفاظت از اطلاعات افشا نشده و پروانه‌های بهره‌برداری ضد رقابتی

بر طبق موافقت‌نامه تریپس (ماده ۳۹) اعضا موظف‌اند دو دسته اطلاعات افشا نشده را مورد حمایت قرار دهند.

اول: اطلاعات افشانده‌ای که محرمانه بوده، دارای ارزش تجاری باشند و جهت محرمانه نگهداشتن آنها اقدامات معقولی انجام گرفته باشد.

دوم: اطلاعاتی که در جریان تأیید بازاریابی محصولات دارویی یا شیمیایی مربوط به کشاورزی در اختیار دولت یا موسسات دولتی قرار

می‌گیرند، این اطلاعات باید در مقابل استفاده تجاری غیرمنصفانه مورد حمایت قرار گیرند.

در حقوق داخلی ماده ۶۵ قانون تجارت الکترونیکی مصوب ۱۳۸۲ مقرر می‌دارد که اسرار تجاری الکترونیکی که به طور مستقل دارای ارزش اقتصادی بوده و در دسترس عموم قرار ندارد و تلاشهای معقولانه‌ای برای حفظ و حراست از آنها انجام شده است، تحت حمایت این قانون قرار دارد. به موجب ماده ۶۴ از همان قانون «به منظور حمایت از رقابتهای مشروع و عادلانه در بستر مبادلات الکترونیکی، تحصیل غیرقانونی اسرار تجاری و اقتصادی بنگاهها و مؤسسات برای خود و یا افشای آن برای اشخاص ثالث در محیط الکترونیکی جرم محسوب و مرتکب به مجازات مقرر در این قانون خواهد رسید». همچنین به موجب ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی، در خصوص کلیه افرادی که به مناسبت شغل و حرفه خود محرم اسرار می‌شوند و اقدام به افشای آن به صورت غیرقانونی می‌کنند، مجازات کیفری در نظر گرفته شده است.

در مقایسه این مواد با ماده ۳۹ موافقت‌نامه تریپس، همان‌گونه که ملاحظه می‌شود، محدوده این مواد کاملاً منطبق با الزام مقرر در ماده ۳۹ موافقت‌نامه نیست و پیش‌بینی موادی در خصوص حمایت از کلیه اسرار تجاری ضروری است.

در خصوص پروانه‌های بهره‌برداری ضدرقابتی نیز، علی‌الاصول اگر دارندگان حقوق مالکیت‌های فکری به طور اعم مالکیت ادبی و هنری و مالکیت صنعتی اقدام به صدور مجوز و پروانه بهره‌برداری از حقوق خویش کنند، باید شروط آن را به نحوی تنظیم کنند که رقابت را محدود نکرده، مانع انتقال فن‌آوری نیز نشود. در این راستا ماده ۴۰ موافقت‌نامه تریپس شرایطی را که بر مبنای آنها هر یک از اعضا می‌توانند از اعطای پروانه‌های بهره‌برداری ضدرقابتی جلوگیری به عمل آورند، بیان کرده است که رعایت این موارد در

حقوق داخلی کشورمان نیز الزامی است.

فصل سوم: اجرای حقوق مالکیت‌های فکری

از آنجا که صرف وضع قوانین و مقررات ماهوی جهت رسیدن به اهداف تریپس کافی نبود، در قسمت سوم موافقت‌نامه مقرراتی در خصوص اجرای انواع حقوق مالکیت‌های فکری پیش بینی شده است که کشورها ملزم به درج این مقررات در حقوق داخلی خویش هستند.

تا قبل از موافقت‌نامه تریپس در هیچ یک از کنوانسیونها و معاهدات مربوط به مالکیت‌های فکری، به تفصیل به این مسئله پرداخته نشده بود. بعضاً به طور کلی سکوت اختیار کرده بودند و یا اینکه از کشورهای عضو خواسته بودند در این زمینه، خود اقدام به وضع مقررات لازم کنند.

گفتار یکم: تعهدات کلی

در بخش اول از قسمت سه موافقت‌نامه، به بیان تعهدات کلی اعضا پرداخته شده است.

بر طبق اولین بند از ماده ۴۱ موافقت‌نامه تریپس، اعضا موظف‌اند در قوانین ملی کشورشان، مقرراتی وضع کنند که دارنده حق با استناد به آنان بتواند در مقابل نقض حقوق خویش، دعوای مؤثر و کارآمدی اقامه کند، به نحوی که بتواند به سرعت هم از اعمال نقض‌کننده جاری و هم از اعمال نقض‌کننده بعدی در آینده جلوگیری کند. همچنین این قوانین باید به نحوی اجرا شوند که موانعی را فراروی تجارت مشروع ایجاد نکنند. علاوه بر این ضروری است در صورت سوء استفاده از این قوانین نیز تضمینات کافی از خواهان اجرای آن اخذ شود.

دومین تعهدی که برعهده اعضا گذاشته شده آن است که اجرای حقوق مالکیت فکری باید عادلانه و منصفانه باشد. نباید پیچیدگی غیرضروری داشته باشد، هزینه‌های بی‌مورد را سبب شود و یا آنکه مرور زمانهای غیرمعقولی شرط شود. همچنین اجرای این حقوق، نباید سبب تأخیر

غیرموجه در جریان رسیدگی شود. در یک جمله، جریان اجرای حقوق مالکیت فکری باید الزاماً در مسیر تسهیل امور، سرعت و ارزان بودن جریانات قرار گیرد.

سومین تعهد کلی اعضا آن است که آرائی که با توجه به وضعیت هر مورد صادر می‌شود باید مکتوب، مستند و مستدل باشند. همچنین باید بدون تأخیر غیرموجه به اطلاع طرفین رسانده شود. آراء صادره باید بر مبنای مدارکی صادر شده باشند که به طرفین فرصت کافی جهت اظهار نظر و ارائه توضیحات لازم در رابطه با آن مدارک، اعطا شده باشد.

چهارمین تعهد کلی اعضا آن است که باید به طرفین فرصت تجدیدنظرخواهی از آراء صادره داده شود. در امور کیفری چنانچه رأی دادگاه مبنی بر برائت متهم باشد نمی‌توان از رأی صادره تجدیدنظر خواست. پیش‌بینی این تعهدات به معنای الزام اعضا به ایجاد یک نظام حقوقی ویژه و خاص خصوصاً اجرای حقوق مالکیت فکری نیست، بلکه پیش‌بینی چنین قواعدی در قوانین عام رسیدگیها و اجرای آن در زمینه حقوق مالکیت فکری نیز کافی است.

از آنجا که برخی از این اصول نظیر مکتوب، مستدل و مستند بودن، ابلاغ فردی رأی به طرفین، استماع اظهارات طرفین دعوا، تجدیدنظرخواهی و ... در مواد مختلف آیین دادرسی کشور ما نیز وجود دارد، می‌توان نظر داد که حقوق داخلی کشور ما در این خصوص تا اندازه‌ای همگام و همسو با اصول کلی مزبور قرار دارد.

گفتار دوم: راههای تضمین اجرای حقوق مالکیت فکری

علاوه بر تعهدات کلی، تعهدات دیگری نیز به صورت جزئی در خصوص اجرای حقوق مالکیت فکری بر عهده کشورها قرار داده شده است. این تعهدات به دو نوع هستند: ۱. برقراری ضمانت اجراهای مدنی؛ ۲. برقراری ضمانت اجراهای کیفری.

الف) ضمانت اجراها و آیین دادرسی مدنی

ماده ۴۲ موافقت‌نامه که تحت عنوان «آیین دادرسی عادلانه و منصفانه» آمده است، شرایطی را که برطبق آنها، دادرسی موردنظر موافقت‌نامه محقق می‌شود بیان می‌دارد.

همچنین بر طبق ماده ۴۳ موافقت‌نامه، اعضا مکلف هستند به مقامات قضائی خود اختیار دهند که بتوانند در حین دادرسی به طرف مقابل دستور دهند مدارک مشخصی را در اختیار دادگاه و حتی طرف دعوا قرار دهد (مشابه ماده ۲۰۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی). همچنین به موجب ماده ۴۷، دادگاهها باید بتوانند با توجه به جدی بودن اعمال نقض‌کننده و خطرانی که از آن متوجه دارنده حق می‌شود به ناقض حق (خوانده) دستور دهند تا اشخاص ثالثی را که در امر تولید و توزیع کالاهای نقض‌کننده دخالت داشته‌اند و کانهای توزیع آنها را به «دارنده حق» معرفی کرده، اطلاعات لازم در این خصوص را در اختیار وی قرار دهند. همچنین ضمانت اجراهای مدنی مقرر در موافقت‌نامه شامل موارد زیر است:

۱. پرداخت خسارت: برطبق ماده ۴۵ موافقت‌نامه، اعضا باید قواعدی وضع کنند که برطبق آنها دادگاهها بتوانند به فرد ناقض حق، دستور دهند که به علت نقض «آگاهانه» حق یا به دلیل وجود اوضاع و احوال مبنی بر علم و آگاهی آنان مبنی بر انجام اعمال نقض‌کننده، غرامت مناسبی برای جبران خسارت به دارنده حق، پرداخت کند. علاوه بر این به دادگاهها، این اختیار داده شود تا بتوانند متهم را محکوم به مخارجی کنند که دارنده حق هزینه کرده است همچنین برطبق همین ماده، در خصوص عدم «النفع و خسارات از پیش ایجاد شده» حتی اگر نقض‌کننده «ناآگاهانه» اقدام به اعمال نقض‌کننده کرده است، بتوان وی را به پرداخت خسارات وارده فوق محکوم کرد.

هرچند در ماده ۴۹ قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰، آمده

است که:

«در مورد خساراتی که خواه از مجرای حقوقی و خواه از مجرای جزائی در دعاوی مربوط... مطالبه می‌شود، خسارات شامل ضررهای وارده و منافع خواهد بود که طرف از آن محروم شده است»؛ از آنجا که به موجب تبصره ۲ ماده ۵۱۵ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی، در دعاوی حقوقی، خسارات ناشی از عدم النفع قابل مطالبه نیست. و به موجب ماده ۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری جبران ضرر و زیان ناشی از عدم النفع فقط در دعاوی جزائی پذیرفته شده است و این قسمت از حقوق داخلی نیز باید اصلاح شود. بدین ترتیب که عدم النفع ناشی از نقض ناآگاهانه نیز قابل مطالبه باشد چراکه عمل «نقض ناآگاهانه» وصف جزائی ندارد و شامل ماده ۹ قانون آیین دادرسی ... کیفری نمی‌شود.

۲. صدور دستور موقت: امکان صدور دستور موقت امری است که در ماده ۵۰ موافقت‌نامه، پیش بینی شده است با ملاحظه این ماده و مقایسه آن با قانون آیین دادرسی مدنی جاری کشورمان و ماده ۶۴ آیین‌نامه قانون ثبت علائم و اختراعات و همچنین تبصره ماده ۶ قانون حمایت از نشانه‌های جغرافیایی تعارضی در این بخش به چشم نمی‌خورد.

۳. صدور قرار تأمین دلیل: الزام کشورهای عضو به پیش‌بینی مقرراتی در خصوص صدور قرار تأمین دلیل که برای حفظ دلیل دعوا انجام می‌گیرد در ماده ۵۰ موافقت‌نامه (بند ۱-ب) پیش بینی شده است. با ماده ۱۴۹ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی ماده ۶۲ آیین‌نامه قانون ثبت علائم و اختراعات ۱۳۳۷ متوجه مشابهت کامل الزامات مقرر در موافقت‌نامه تریپس این مواد می‌شویم.

۴. معدوم کردن یا مصرف غیرتجاری اشیا: بر طبق ماده ۴۶ موافقت‌نامه، دادگاههای کشورهای عضو باید این اختیار را داشته باشند تا در مواردی که کالاهایی را که بدون هیچ نوع جبرانی نقض شده‌اند، بتوانند دستور مصرف

این کالاها را خارج از کانالهای تجاری، به گونه‌ای که به دارنده این حقوق زبانی وارد نشود و همچنین دستور معدوم کردن کالاهای مزبور را صادر کنند. همچنین دادگاهها در خصوص اشیا و ابزاری که در جریان نقض کالاهای مورد حمایت، بیش از همه مورد استفاده واقع شده و از همه بیشتر کاربرد داشته‌اند، بتوانند خارج از کانالهای تجاری به گونه‌ای مصرف شوند که خطرات نقض بیشتر، به حداقل کاهش یابد.

با ملاحظه این ماده از موافقت‌نامه، ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی کشورمان در ذهن تداعی می‌شود که بر طبق آن چنین تدبیری در خصوص اشیائی که دلیل یا وسیله جرم بوده یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب، استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، وجود دارد. البته موافقت‌نامه اعمال چنین ضمانت اجرائی را حتی در صورتی که عمل نقض «غیر آگاهانه و غیر مجرمانه» بوده است، پیش بینی کرده است که این نکته باید در حقوق داخلی مورد توجه قرار گیرد.

۵. پرداخت غرامت وارده به خواننده: همان‌گونه که مسلم است، چنانچه دارنده حقوق مالکیت فکری جهت حفظ حقوق خود اقدامه دعوی نقض بکند، دادگاهها احکام و دستورهای مختلفی نظیر مصادره کردن کالاها، یا تعلیق ترخیص کالاها توسط مقامات گمرک صادر می‌کنند که بعضاً در نتیجه آن خواننده دعوی محتمل خسارت و زیانهای خواهد شد. حال چنانچه شاکی در دعوی خود پیروز و دعوا به نفع خواننده تمام شود، آیا خواننده می‌تواند برای جبران خسارات وارده بر خود اقدامه دعوا کند؟

جواب این سؤال در ماده ۴۸ موافقت‌نامه آمده است، بر طبق این ماده، تنها در صورت «سوء استفاده» دارنده حق، اعضا ملزم به جبران خسارات وارده به خواننده شده‌اند. در غیر این صورت، پیش بینی چنین امری، اختیاری است. ولی بر طبق همان ماده (بند ۱ ماده ۴۸) پرداخت هزینه‌هایی که محکوم له کرده است را نمی‌توان مشروط به سوء استفاده دارنده حق کرد.

همچنین بر طبق بند دو این ماده (ماده ۴۸) خواننده می‌تواند علیه مقامات عمومی نیز جهت پرداخت خسارات وارده به خود اقامه دعوا کند. که مقامات عمومی فقط در دو حالت زیر از این مسئولیت مستثنا شناخته شده‌اند:

۱. اعمال مزبور با حسن نیت انجام شده باشد.
۲. اعمال مزبور در جریان اجرای قوانین و مقررات مربوطه صورت گرفته باشد. [۱۹:۱۶۱]

ب) منع ترخیص کالاهای ناقض حق از سوی مقامات گمرک

پیش بینی دیگری که در موافقت‌نامه ترپس علاوه بر راههای جبران خسارت مدنی شده است «اقدامات مرزی و گمرکی» است. در برخی موارد، فعالیت‌های نقض‌کننده، منحصراً ابعاد ملی نداشته، بلکه ممکن است ابعاد بین‌المللی پیدا کنند. به طوری که مقادیر زیادی از کالاهای نقض‌کننده یک حق مالکیت فکری در یک کشور تولید و به کشور دیگر حمل شوند. چنین اقدامی، فعالیت بازرگانی مشروع را شدیداً تضعیف می‌کند. به همین دلیل وجود اختیار جهت متوقف ساختن جریان ورود این کالاها به بازار کشور دیگر دارای جنبه حیاتی است و وجود مقرراتی در این زمینه در مجموعه قوانین ناظر بر اجرای حقوق مالکیت فکری، مهم و اساسی است. [۱۴۷-۱۴۴:۷]

در مقررات داخلی جاری کشورمان، تنها ماده ای که می‌توان آن را مصداقی از اقدامات مرزی مأموران گمرک دانست، بند ۱۲ ماده ۴۰ قانون گمرکی است، با این بیان که: «کالایی که روی خود آنها یا روی لفاف آنها نشانی یا نام بتگاه یا علامت یا مشخصات دیگری باشد که موجبات اغفال خریدار و مصرف‌کننده را نسبت به سازنده یا محل ساخت یا خواص یا مشخصات اصلی اجناس نامبرده فراهم کند، ممنوع الورد است».

همان‌گونه که ملاحظه می‌شود این ماده فقط شامل «علامت تجاری» می‌شود و شامل سایر انواع حقوق مالکیت فکری نیست. همچنین در

کنوانسیون پاریس نیز فقط توقیف ورود کالاها با علامت تجاری جعلی پیش‌بینی شده است (ماده ۹). در حالی که کنوانسیون نیز فقط اعمال اقدامات مرزی را در خصوص علائم تجاری پذیرفته است. موافقت‌نامه تریس مواد مختلفی را به این مبحث اختصاص داده که شامل کلیه انواع حقوق مالکیت‌های فکری می‌شود. در زیر به شرح مختصر این مواد می‌پردازیم:

۱. موضوعات قابل اعمال: بر طبق ماده ۵۱ موافقت‌نامه اعضا ملزم هستند که تنها در خصوص علائم تجاری و حقوق مربوط به مالکیت‌های ادبی و هنری، به وضع قوانینی ناظر بر اقدامات مرزی، دست یازند. شاید دلیل آن، این امر است که در خصوص این نوع از انواع مالکیت فکری، مقامات گمرک با چشم غیر مسلح راحت‌تر می‌توانند متوجه نقض شوند. در خصوص سایر انواع مالکیت فکری نظیر حق اختراع، این امر، اختیاری است. علاوه بر این، الزام مندرج در این ماده فقط در خصوص «واردات» کالاها ناقص علامت تجاری و یا مالکیت ادبی و هنری است و اعضا اجباری ندارند که آن را در خصوص کالاهایی که از کشور آنان «صادر» می‌شوند، مراعات کنند.

نکته دیگر آن که اعضا موظف نیستند مقررات مربوط به اقدامات مرزی را در خصوص کالاها در ترانزیت و یا کالاهایی که با رضایت دارنده حق داخل در بازارهای کشور شده‌اند، اعمال کنند (زیرنویس شماره ۱۳ ماده ۵۱ موافقت‌نامه و ماده ۹ (بند ۳) کنوانسیون پاریس).

۲. انجام اقدامات مرزی بنا به تصمیم خود مقامات گمرک: معمولاً درخواست تعلیق ترخیص کالاها توسط مالک حتی با ارائه مدارک و شواهد صورت می‌گیرد (ماده ۵۱) با وجود این بر طبق ماده ۵۸ موافقت‌نامه، مقامات گمرک می‌توانند رأساً هنگامی که کالاها وارد مرز می‌شوند در صورت احتمال جعلی بودن کالاها اقدام به تعلیق ترخیص آنها کنند.

به غیر از دو نکته فوق که نکات شایان توجه در اقدامات مرزی هستند.

قواعد دیگری نیز در این خصوص در موافقت‌نامه پیش‌بینی شده است.^(۱) که اعضا مکلف به تدوین قانونی داخلی منطبق با معیارهای تعیین شده هستند. در این راستا، سازمان جهانی گمرک (WCO)^(۲) طرحی را به‌عنوان الگو تهیه کرده است که با مراجعه به مدل قانونی مزبور، متوجه مطابقت تقریباً کامل آن با قوانین موافقت‌نامه می‌شویم.^(۳) از این رو، به واسطه فقدان چنین قانونی در این حوزه از حقوق مالکیت‌های فکری می‌توان این نقص را به‌عنوان خلأ دیگری در مسیر الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی ذکر کرد.

د) ضمانت اجرای جزائی

برقراری ضمانت اجرای کیفری بیشتر در خصوص «نقص عمدی» و «آگاهانه» صورت می‌گیرد. وجود ضمانت اجرای کیفری در موارد زیر اهمیت پیدا می‌کند؛ ۱. زمانی که خواننده دعوا که محکوم به جبران خسارت مدنی شده است، ادعای اعسار کند. در این حالت با پیش‌بینی مقررات کیفری و مجازات ناقض حق، می‌توان مانع از برائت کامل وی از مسئولیت ناشی از عمل خود شد. ۲. زمانی که اثبات خسارت وارده توسط خواهان دشوار باشد، در این حالت می‌توان با تنبیه کیفری متهم، وی را مجازات کرد همچنین در این میان نباید اثر بازدارندگی جرم و مجازات را از یاد برد.

طبق ماده ۶۱ موافقت‌نامه تریپس، «اعضا باید حداقل در مورد جعل عمدی علامت تجاری یا سرقت ادبی در مقیاس تجاری، آیین نامه های دادرسی و مجازات‌های کیفری مقرر کنند». در خصوص سایر اشکال مالکیت فکری، اعضا «می‌توانند» چنین مقرراتی وضع می‌کنند.

در حقوق داخلی هر چند برطبق مواد ۲۳ الی ۳۲ قانون حمایت حقوق

۱. قسمت چهارم مواد ۵۱ الی ۶۰ موافقت‌نامه.

2. World custom organization

۳. مدل مزبور ارائه شده در کارگاه آموزش ملی سازمان WIPO ویژه کارکنان گمرک، ۱۳۱۵.

آبان ۱۳۸۱ - تهران - هتل المپیک.

مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ۱۳۴۸، جرائم و مجازاتهای صور مختلف نقض حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری پیش‌بینی شده است. ولی در خصوص علائم تجاری که به صورت الزامی اعضا موظف به پیش‌بینی مجازات‌هایی در خصوص نقض آنها شده‌اند و همچنین اختراعات، جرائم و مجازات‌هایی پیش‌بینی نشده است. هرچند در خصوص اختراعات پیش‌بینی این مقررات اختیاری بوده و اعضا الزامی به برقراری ضمانت اجرای کیفری ندارند ولی در خصوص «علائم تجاری» کشور ما نیز نظیر سایر اعضا موظف به پیش‌بینی قوانین جزائی است.^(۱)

نتیجه

با ذکر جزئیات مربوط به تفاوت‌های موجود میان قوانین داخلی و معیارهای مقرر در موافقت‌نامه تریپس ناظر بر مالکیت‌های فکری، می‌توان راهکارهای زیر را جهت رفع این موانع و خلأها پیشنهاد کرد:

۱. الحاق به کنوانسیون‌های بین‌المللی حقوق مالکیت‌های فکری تحت مدیریت و اداره سازمان جهانی مالکیت فکری که به موجب موافقت‌نامه تریپس، رعایت قواعد اساسی این کنوانسیونها، الزامی شمرده شده است و پیش‌بینی مواد ارجاعی در قوانین داخلی. این کنوانسیونها عبارت‌اند از: کنوانسیون برن در خصوص حمایت از آثار ادبی و هنری و معاهده واشنگتن در خصوص طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه.

۲. اصلاح قوانین و مقررات موجود به‌ویژه مقررات ناظر بر اجرای حقوق مالکیت فکری در خصوص شیوه دادرسی و رسیدگی به دعاوی نقض این گونه حقوق. چرا که همان‌گونه که ملاحظه شد اعضا الزامی به تدوین قانونی خاص در این مورد ندارند.

۱. این نکته نیز در طرح پیشنهادی WIPO طی ماده ۳۷ آن پیش‌بینی شده است.

۳. وضع قوانین و مقررات جدید چه در قلمرو آن دسته از حقوق مالکیت‌های فکری که تاکنون در حقوق داخلی سابقه نداشته است (نظیر طرح‌های ساخت مدارهای یکپارچه) و یا علی‌رغم وجود سابقه، ضرورت به روز کردن این قوانین، بازنگری کامل در این قوانین را ایجاب می‌کند (نظیر قانون ثبت علائم و اختراعات مصوب ۱۳۱۰ و قانون حمایت از مؤلفان و مصنفان و هنرمندان مصوب ۱۳۴۸) که در این راستا، تلاش حقوق‌دانان و کارشناسان در خصوص تدوین قوانین به روز حقوق مالکیت‌های ادبی و هنری و حقوق مالکیت‌های صنعتی شامل اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، قدمی مثبت در این زمینه است که در صورت تسویب نهایی این قوانین بسیاری از خلأهای موجود در زمینه حقوق مالکیت فکری در سطح داخلی مرتفع خواهد شد.

فهرست منابع

۱. آموزگار (مریم)، *حقوق مرتبط در موافقت‌نامه TRIPS*، مجله پژوهش‌های حقوقی شماره ۳، ۱۳۸۱-۸۲.
۲. *تجارت در آینده، درآمدی بر سازمان تجارت جهانی*، ترجمه ایروانی (محمدجواد)، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، بهمن ۱۳۸۱.
۳. *راهنمای تجاری دوراوگروه*، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، آبان ۱۳۷۵.
۴. *سند نهایی دوراوگروه*، انتشارات مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، چاپ اول، دی‌ماه ۱۳۷۳.

۵. شفایی (علی احسان)، **نگاهی به موافقت‌نامه TRIPs**. تحقیق درس حقوق تجارت پیشرفته، زیر نظر دکتر اخلاقی (بهروز)، نیمسال تحصیلی ۸۱-۱۳۸۰.
۶. صاحب (طیبه)، **بررسی تطبیقی حق اختراع در حقوق داخلی و معاهدات بین‌المللی**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق خصوصی. دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، تابستان ۱۳۸۲.
۷. طارم سری (مسعود)، **الزامات موافقت‌نامه راجع به TRIPs و مقررات مربوط به اجرای حقوق مالکیت معنوی در ایران**، سخنرانی همایش ملی بررسی حقوق مالکیت صنعتی در ایران، انتشارات سازمان ثبت شرکتها و مالکیت صنعتی، تهران. ۲۶-۲۷ آذر ۱۳۷۵.
۸. میرحسینی (سیدحسن)، **مقدمه‌ای بر حقوق مالکیت معنوی**، نشر میزان، چاپ اول، پاییز ۱۳۷۴.
9. *An Overview of the enforcement provisions under parts III of the TRIPs Agreement* International Bureau of WIPO 2002.
10. Bently (Lionel), Sherman (Brad). *Intellectual property law*, oxford 2001.
11. *Implication of the TRIPs agreement on treaties administered by WIPO*, WIPO publications 2002.
12. *Summaries of conventions, Treaties and Agreements Administered by WIPO*, WIPO publications 2001.